

انقلاب ایران

پیشرفت هائیکه طی سالهای اخیر حیات جامعه ما در زمینه ساختمان ایران نوین بمنصه ظهور رسیده تأثیر مطلوب و مسرت بخشی در همه افراد ترقیخواه و وطن دوست کشور نموده و دستجات مختلف مردم مخصوصاً نسل جوان و طبقات زحمتکش را نسبت به آینده مملکت و سرنوشت خود امیدوار و دلگرم ساخته است . ولی جای شك نیست که برای رسیدن بکاروان پیشتاز عصر حاضر و برای کسب پیروزی نهائی هنوز راهی بس مشکل و پر از سنگلاخ در پیش داریم که طی آن جز با همتی والا . اعتقادی پاک و ایمنی راسخ امکان پذیر نخواهد بود .

آنچه که مسلم است ما اکنون در راه تکامل گام برمیداریم و هدف اینستکه از طریق ایجاد رفورمهای عمیق اقتصادی و اجتماعی آنچنان شرایط عینی بوجود آوریم که بر مبنای آن بتوانیم :

اولاً موجودیت و استقلال و حاکمیت ملی خود را حفظ نماییم . ثانیاً - کوتاهترین راه را که ضمناً اصیلترین و شرافتمندانهترین هم باشد برای رسیدن بجامعه مترقی نیمه دوم قرن بیستم پیدا نموده و برنامه کارآئی را بر آن استوار کنیم . کوشش برای نیل باین هدف که نتیجه آن سر بلندی و آبادانی همه جانبه کشور خواهد بود مهمترین وظیفه هر ایرانی میهن پرست و شرافتمند است و از این جهت و برای رسیدن بچنین پیروزی عظیم باید بدو مسئله اساسی توجه شود .

۱ - بررسی وضع گذشته و مشخص ساختن علل اصلی عقب ماندگیها .

۲ - دقت در شناسائی کامل شرایط زندگی جدید و جدیت صادقانه برای رفع نواقصی که نقش ترمز کننده را در حرکت جامعه ایفاء میکنند .

در مورد اول باید متذکر شویم که بررسی وضع گذشته و مشخص ساختن علل اصلی عقب ماندگیها زمانی با نتیجه مطلوب توأم خواهد بود که با در نظر گرفتن تمام عوامل عینی مثبت و منفی و بدون دخالت دادن هر گونه انتظار و آرزوی خیالی و تنگ نظریهای جاهلانه صورت گیرد. یعنی ارزیابی اقدامات گذشته (بمعنی کلی کلمه) باید بر پایه علمی بعمل آید زیرا در غیر اینصورت امکان گرفتن آموزش صحیح از آن برای ایجاد دنیای آینده متصور نیست. فی الواقع وقتی يك بررسی عینی و متکی بحقایق است که ضمن آن مشکلات و امکانات آنطور و بهمان اندازه که واقعاً وجود دارد مورد بحث و موشکافی قرار گیرد از یکطرف بزرگ جلوه دادن مشکلات و ناچیز گرفتن امکانات و از طرف دیگر کوچک شمردن مشکلات و بزرگ کردن امکانات ما را از راه درست منحرف میکند. پس بررسی و قضاوتی که متکی به روشن بینی علمی و غیر متعصبانه نباشد بسیار خطرناک بوده و میتواند موجب صدمات و لطمات غیر قابل جبران گردد.

و اما مورد دوم یعنی دقت در شناسائی کامل شرایط زندگی جدید و جدیت صادقانه برای رفع نواقصی که نقش ترمز کننده را در حرکت جامعه ایفاء میکنند باید از دو نظر تحت مطالعه و توجه قرار گیرد.

اول از نظر داخلی - لازم است کلیه امکانات، خصوصیات و ویژگیهای جامعه از هر جهت ارزیابی شده و طرح استفاده از آنها بر مبنای واقعیات تهیه و تدوین گردد.

دوم از نظر خارجی - باید با بررسی ابر کیتو اوضاع جهانی و تعیین نوع رابطه و چگونگی برخورد با آن و انتخاب اشکال متنوع و جدید برای همراه شدن با جریان تکامل نوین کوناهترین، اصیل ترین و انسانی ترین راه را برای جبران سستی های گذشته برگزید. جای تردید نیست که عوامل فاسد سازمان قدیمی کشور برای حفظ منافع نامشروع و تحکیم موقعیت از دست رفته خود از پا ننشسته و با ایجاد يك نوع وحدت پوشالی و کاملاً متزلزل در صدد متوقف ساختن حرکت جامعه بسوی تکامل و ترقی بر میآیند. آنها تلاش میکنند که استیلابی مطلقه خود را بر سازمانهای مختلف کشور حفظ نموده و ماشین اجتماع را همچنان بِنفع تأمین خواستههای خود بحرکت در آورند. غافل از اینکه اینک دیگر مسئله انتقال قدرت از دست طبقه حاکمه سابق و یا همان باصطلاح هزار فامیل بنست نیروهای مترقی و طبقات زحمتکش از مرحله حرف بمرحله عمل درآمده و شرایط موجود که مبتنی بر جبر زمان و قانون تکامل مداوم و بدون وقفه میباشد راه را برای تحقق قطعی آرمانهای مقدس ملت و تحکیم مبانی رفورم های ایجاد

شده در کلیه زمینه های حیات سیاسی . اجتماعی . اقتصادی و صنعتی وطن ما را هموار کرده است و در این مساله دیگر شك نمیتوان کرد که هرگونه تثبیت عوامل ارتجاع بهر رنگ و با هر قیافه ای که باشد برای ترمز کردن حرکت و جنبش مترقیانه کشور بناکامی خواهد کشید . زیرا با درهم شکستن نظام فئودالیسم و محو مناسبات ارباب رعیتی اینک نحوه آرایش قوا در صحنه سیاسی و اجتماعی ایران تغییر نموده و نیروهای مولده کشور که تا دیروز اسیر نظم فئودالی بودند بمثابه بنیان گذاران ایران نوین وظیفه اصلی سازندگی را برعهده گرفته اند . گرچه طبقات زحمتکش و نسل جوان بر اثر عدم رشد سیاسی و نداشتن تبحر لازم هنوز در آن مرحله قرارنگرفته اند که بتوانند بسادگی و بدون اشکال کشتی طوفان زده کشور را بساحل نجات برسانند ولی تردید نیست که تحت نظم نوینی که اکنون قوام میپذیرد با آنها این فرصت داده خواهد شد که در مدتی کوتاه خود را از هر جهت شایسته این سازندگی بنمایند .

و این نیز از خصوصیات انقلاب سفید است انقلابی که کشور ما مرحله تدارک آنرا پشت سر گذاشته و با اطمینان و امید بآینده به مرحله شکوفان آن گام مینهد . آنچه که انقلاب بمیهن ما را از سایر انقلابها متمایز میکند نداشتن خصوصیات تبهکارانه و جنگ طلبانه آن است . انقلاب ایران یعنی آنچنان رفورمی که با توجه بحفظ منافع نسبی کلیه طبقات و باروشی کاملاً مسالمت آمیز و طبق برنامه تدوین شده ای که هیچگونه مغایرت اصولی با قوانین اساسی کشور نداشته صورت گرفته است . روشن است که چنین انقلابی میتواند حافظ حقوق و منافع طبقات مختلف جامعه بوده و اصل عدالت اجتماعی را که از مظاهر اولیه هر سیستم دموکراسی است محترم بشمارد . و درست بمیهن جهت میتوان امیدوار بود که سازمان سیاسی و اجتماعی انقلاب ایران از نظر تئوری و عمل بآن مرحله از قدرت و تکامل برسد که از هر حیث شایستگی رهبری بلامنازع ملت را برای احراز مقام و منزلت حقه اش در بین ملل پیش افتاده و متممذین پیدا نموده و این رسالت تاریخی را برای دوران آینده نیز محفوظ بدارد . لذا جای تردید نیست که تحولات اخیر نتوانست نارسائیهای انقلاب مشروطیت را جبران کرده و تکمیل کند . اگر انقلاب مشروطیت بخاطر ایجاد حکومت قانون و سرنگون ساختن استبداد مطلقه صورت گرفت انقلاب اخیر ایران نیز راه ترقی و تعالی کشور را بسوی دنیای متممذین هموار نمود . زنجیر اسارت طبقاتی را گسست . نیروهای اجتماعی را از قید استثمار و بندگی آزاد ساخت و دموکراسی و عدالت اجتماعی را در کادر ملی توسعه و تعمیم داد . با اجرای

قانون اصلاحات ارضی مانع بزرگ رشد اقتصادی کشور بر طرف شده و زمینه مساعد برای پرورش طبقه تولید کننده و نضح سرمایه‌داری ملی و کشاورزی صنعتی فراهم گردیده است. شرکت کارگران در سود کارخانجات موجب ایجاد واحیاء صنایع شده و سرمایه صنعتی امکانات وسیع عملی بدست آورده است بسیج سپاه دانش. فرهنگ کشور را با تحول عمیقی روبرو ساخته و علم و دانش بدهات راه یافته است.

شرکت زنان در امور اجتماعی و سیاسی و استفاده از نیروی آنها در امر ساختمان کشور موجب گردیده که ماشین جامعه با سرعت بیشتری بحرکت درآمده و از این جهت نیز عقب ماندگی ما نسبت بجهان مترقی و پیش رفته جبران گردد.

ملی شدن جنگها و فروش سهام کارخانجات دولتی بعنوان پشتوانه اصلاحات ارضی ایجاد سپاهیان بهداشت و ترویج و آبادانی هر یک بنوبه خود طلیعه کامیابیهای نوینی در تحکیم مبانی ایران آزاد و آباد بشمار میروند. پس بحق باید انقلاب ایران را انقلابی علیه نظم قدیم. علیه کهنه و کهنه پرستی و علیه عقب ماندگی و اسارت طبقاتی دانست. انقلاب ایران واضع و مبتکر آنچنان قوانینی میباشد که هماهنگ با شرایط جدید بوده و موجب رفع موانع رشد اقتصادی. اجتماعی و سیاسی گردیده است. شك نیست تازمانیکه جامعه ایرانی اسیر نظم فئودالیزم و مغلوب آن بود تازمانیکه نقش ارزنده دهقانان. کارگران و روشنفکران در تعیین سرنوشت کشور و بنای آینده آن بی‌اهمیت گرفته میشد و تا زمانیکه اکثریت مردم این کشور از حق دخالت در امور مربوط بجامعه و مملکت خود محروم بودند تضاد بین حقوق اکثریت مظلوم با منافع ظالمانه اقلیت حاکم و مقتدر اجازه نمیداد که کشور ما در جهان متمدن و مترقی وضع و موقعیتی کسب کند که که درخور مقام تاریخی آن و شایسته و برارنده ملت کهنسال و آزادمنش ایران باشد.

اما انقلاب ایران بآن وضع رقت بار که وطن ما را بصورت یکی از کشورهای عقب مانده و بی ثبات در آورده بود خاتمه داد و با جهشی موزون و هماهنگ بنحوی استوار جامعه ایرانی را بطرف ترقی و کمال هدایت نمود و اکنون نیز در راه بثمر رساندن ارمانهای ملت میکوشد و موانع را پشت سر میگذارد. مخصوصاً در این مرحله از انقلاب توجه برفع نواقص موجود و درک شرایط جدید برای هماهنگ شدن با آن از هر جهت الزام آور میگردد. دقت در شناسائی محتویات زندگی نوین و مبارزه عاقلانه و منطقی علیه کلیه گرایش های انحرافی و مخرب که هر یک بنحوی ویشکلی در راه پیشرفت

و ترقی جامعه و میهن ما مانع و رادع ایجاد میکنند شرط اصلی پیروزی و ظفر است. در اینجا نیز بدو مسئله اساسی بعنوان دو نیروی تعیین کننده سرنوشت انقلاب باید توجه کرد.

اول: ایجاد آنچنان سازمان و تشکیلاتی که بطور یکپارچه و متشکل در راه تحقق شعارهای انقلاب حرکت کند و از هر جهت قابلیت و شایستگی درک عمیق ایدئولوژی انقلاب را داشته باشد.

دوم: مجتمع ساختن طبقات مختلف جامعه در یک جبهه واحد و بهره برداری از قدرت خلاق چنین وحدت و همبستگی بمنظور جلو راندن تشکیلات و احراز موفقیت در ساختمان مبنای اجتماع نوین.

فی الواقع شرط اساسی برای هرگونه پیشرفت و ترقی و برای موفقیت در کوشش بخاطر بثمر رساندن اصلاحات پیش بینی شده در تعالیم انقلاب بهره کشی از نیروی عظیم همه افراد اجتماع بصورت بهم پیوسته و کاملاً متشکل میباشد. یعنی تا زمانی که لااقل تمام نیروهای فعاله کشور بصورت واحد در راهی که آرمان انقلاب معین کرده است بحرکت در نیایند امید به پیروزی قطعی و نهائی انقلاب نمیتوان داشت. این دیگر بارها تجربه شده است که بدون جلب اعتماد تمام طبقات و شرکت دادن فعال آنها در تدوین و اجرای برنامه ها کار اصلاحات و رفورم ها سرانجام نگرفته است. پس کوشش برای تحقق اتحاد طبقات مختلف اجتماع و ایجاد جبهه واحدی از آنها بشرحی که اشاره شد باید جهت اساسی سیاست انقلاب سفید را تشکیل داده و مناسبات اجتماعی آنرا دربرگیرد.

طبیعی است برای ایجاد چنین وحدتی طبقات مختلف نسبت بوضعی که دارند مجهز میگرددند یعنی باید بانوجه بچگونگی و ماهیت آرایش طبقات در صحنه اجتماع و طرز تمرکز نیروهای مولده و با در نظر گرفتن اهمیتی که این طبقات در امر ساختمان کشور و تأمین آینده پرشکوه آن میتوانند داشته باشند مسئله وحدت ملی را مورد دقت و توجه خاص قرار داد.

مثلاً کشوری که اکثریت افراد آنرا دهقانان تشکیل میدهند و یاطبقه کارگران (بمعنی مشخص و کاملاً علمی کلمه) در حال پیدایش و تکامل است حق ندارد در مسئله وحدت ملی بدون در نظر گرفتن موقعیت اجتماعی و اقتصادی این دو طبقه و بدون توجه بحفظ منافع آنها اقدام کند.

علت اصلی عقب افتادگی ایران در اقتصاد کشاورزی که ابتداء در نتیجه انقلاب اخیر کشور متوقف گردید قبل از هرچیز ماحصل مستقیم عدم توجه بحقوق دهقانان و کشاورزان بوده است. کشور ما که از نظر کشاورزی دارای امکانات بسیار وسیعی است تا همین گذشته نزدیک از لحاظ شکل

و مناسبات تولیدی و میزان تولید محصولات کشاورزی یکی از کشورهای عقب مانده جهان بشمار میرفت طبق آمار موجود از ۱۶۴۳ میلیون هکتار مساحت ایران در حدود ۵۰ ملیون هکتار آن زمین قابل کشت و زرع - ۱۸ میلیون هکتار آن جنگل و ۱۰ میلیون هکتار آن مرتع و چراگاه است طبیعی است که در چنین کشوری طبقه دهقان میتواند و باید بعنوان یکی از نیروهای اصلی تولیدی نقش حساسی را در سازمانهای سیاسی و اجتماعی برعهده گرفته و امتیازات خاصی داشته باشد. در مورد طبقه کارگر نیز وضع بهمین ترتیب است یعنی باین جهت که کشور ما در حال رشد و تکامل سریع میباشد و باین علت که در این سیر تکاملی مسأله ایجاد و تاسیس صنایع ملی در درجه اول اهمیت قرار گرفته و بالاخره باین دلیل که برای حفظ استقلال اقتصادی خود ناگزیر از توسعه صنایع داخلی و بالا بردن سطح تولیدات صنعتی و ماشین آلات میباشیم بالاجبار باید نیروی مولده صنعتی یعنی طبقه کارگر را بعنوان یکی از ارکانهای حیات اجتماعی و اقتصادی جامعه مرفعی ایران قبول کنیم. باید باین طبقه امکانات بیشتری جهت شرکت در تعیین مقدرات کشور داده شود. نباید فراموش کرد که دنیای آینده دنیای تکنیک و ماشین خواهد بود و کشور ما نیز از این سیر تکامل برکنار نیست.

پس روشن است که امکان ایجاد وحدت ملی بنحویکه تامین کننده خواست های ملت ایران باشد بدون در نظر گرفتن حقوق جدید و دنیا پسند برای طبقات دهقان و کارگر هرگز متصور نیست. قانون اصلی انقلاب سفید که مبتنی بر دفاع از حقوق و خواست های همه زحمتکشان وطن ما اعم از دهقانان، کارگران، روشنفکران، پیشه‌وران و سایر صنوف میباشد و در مجموع خود سرمایه داری ملی را بمعنی اخص کلمه و بر مبنای تقسیم عادلانه ثروت تقویت میکند باین واقعیت نیز کمال توجه را نموده است. جای تردید نیست که با اقدام موثر ملت ایران در تصویب ۶ ماده معروف شاهنشاه که فی الواقع زیربنای انقلاب سفید ایران را تشکیل میدهد. نهضت مترقیانه کشور برای ساختن ایران نوین از مرحله ثنوری به مرحله عمل قدم گذاشت ولی نباید پنداشت که کار بهمین مرحله خاتمه میپذیرد. نباید سرمست از باده این پیروزیهای ابتدائی بخواب رفت و بالاخره نباید واژگون شدن سیستم ارباب رعیتی را آخرین مرحله پیروزی دانست ما هنوز در آغاز انقلابیم باید برای حفظ، تحکیم و توسعه کامیابیهای بدست آمده و کامیابیهای آتی که از هم اکنون دورنمای پراز جلال و عظمت آنرا مجسم میکنیم جانانه کوشش نمائیم. باید فاصله ما با دنیای مرفعی در حداقل

زمان لازم از بین رفته و عقب ماندگی خود را، از قافله پیش آهنگ جهان جبران کنیم .

تنها مسئله ارضی درد را دوا نمیکند . مسئله ارضی یکی از ده ها مسائل اساسی است که حل آنها تحت یک برنامه معین میتواند کشور ما را بسر منزل مقصود برساند نباید بوجود طرح و برنامه دل خوش کرد . تدوین و تنظیم برنامه و طرح فقط یک قسمت از کار است . قسمت دوم و ضمناً مهمتر اقدام عملی برای تحقق برنامه های مترقی و تنظیم شده است . بعلاوه صحت و اصالت برنامه ها تنها در عمل و در بونه آزمایش بمنضه ظهور میرسد و اما برای اینکه در عمل با ناکامی و شکست رو برو نگردیم باید اجرای منویات انقلاب را بدست مردان کار بدست نسل جوان، بدست مغزهای متفکر و بالاخره بدست آنهائیکه منافشان در تحکیم مبانی انقلاب است بسپاریم . زیرا در غیر اینصورت اصل سازندگی دچار انحراف و تا بسامانی خواهد شد و این ضربه ای بس جانگداز و مهلك بر پیکر نیم بند انقلاب است . ضربه ای که برای جبران و مرمت آن هرگز فرصت پیدا نخواهیم کرد . ولذا صادقانه و صمیمانه باید برای روشن ساختن تاریکی ها و برای نشان دادن آنچه که انقلاب مقدس ما فاقد آن است و آنچه که در ظاهر بنام انقلاب و در باطن علیه آن است کوشش کنیم کوشش جانانه و همه جانبه و این مهمترین وظیفه هر زحمتکش و روشنفکر وطن پرست و میهن دوست ایرانی است زیرا اگر آنها باین امر حیاتی نپردازند و از زیر پارسئولیت تاریخی خود شانه خالی کنند آنوقت دیگران با معیارهائی که برای کشور ما ساخته نشده چنین خواهند کرد و از خلاء فکری و سیاسی جامعه که بدون تردید درجه آسیب پذیری آنها در برابر تهاجمات مسلکی بنحو غیر قابل تصویری افزایش میدهد بنفع تامین تمایلات و اندیشه های دیکته شده خود سوء استفاده مینمایند و این خطری است که عمیقاً جامعه ما را تهدید میکند .